



مطالعه وبر رسي نمادهاي كيهاني واسطوره‌اي در داستان "امپراتور سيب زميني چهارم"

اثر محمد مهدي محمدي

أ.م.د. علي محيسن عبود^{1*}

¹دانشگاه سومر، دفتر رئيس دانشكده، ذي قار، عراق

چکیده:

ایرانیان از جمله ملت‌های کهن هستند که ارتباط خود را با گذشته تاریخی و فرهنگی‌شان حفظ کرده‌اند و رشته پیوند اندیشه‌ها و باورهایشان با نیاکانشان همچنان برقرار است. اسطوره و اسطوره‌شناسی به عنوان شاخص‌هایی مهم در فهم فرهنگ‌ها و طرز تفکر اقوام مختلف، نقش بسزایی در بازشناسی هویت ملی و تاریخی دارد. اسطوره‌ها بازتاب‌دهنده تاریخ ماندگار و وقایع کهن هر قوم و ملت‌اند که در قالب نمادها و روایت‌های مختلف منتقل شده‌اند.

این پژوهش با هدف استخراج و تحلیل نمادهای کیهانی و اسطوره‌ای، با تمرکز بر متغیرهای اصلی همچون شب، خورشید، آتش، در چارچوب داستان «امپراتور چهارم سيب زميني» اثر محمد مهدي محمدي انجام شده است. این تحقیق در پی آن است که چگونگی بازنمایی این نمادهای فعال را در ساختار روایی متن مورد بررسی قرار دهد.

واژگان کلیدی: اسطوره، نمادهای کیهانی، ادبیات ایرانی، امپراتور سيب زميني چهارم، محمد مهدي محمدي، تحلیل روایی.

دراسة وتحليل الرموز الكونية والأسطورية في قصة "امپراتور سيب زميني چهارم"

لمحمد مهدي محمدي

أ.م.د. علي محيسن عبود^{1*}

¹جامعة سومر، مكتب رئيس الجامعة، ذي قار، العراق

المخلص:

كان يُعدّ الإيرانيون من بين الشعوب القديمة الذين حافظوا على ارتباطهم بتاريخهم الثقافي، ولا تزال صلّتهم الفكرية والعقائدية بأسلافهم قائمة. تُعدّ الأسطورة وعلم الأساطير من المؤشرات المهمة لفهم ثقافات الشعوب وطرائق تفكيرهم، ولها دور بارز في استعادة الهوية الوطنية والتاريخية. فالأساطير تعكس التاريخ الراسخ والوقائع القديمة لكل أمة، وتُنتقل عبر رموز وسرديات متنوّعة.

تهدف هذه الدراسة إلى استخراج و تحليل الرموز الكونية والأسطورية مع التركيز على المتغيرات الأساسية مثل الليل، الشمس، النار، وذلك في إطار القصة "الإمبراطور الرابع للبطاطا" للكاتب محمد مهدي محمدي. يسعى هذا البحث إلى الكشف عن كيفية تمثّل هذه الرموز الفاعلة في البنية السردية للنص موضوع الدراسة.

الكلمات المفتاحية: الأسطورة، الرموز الكونية، الأدب الإيراني، الإمبراطور الرابع للبطاطا، محمد مهدي محمدي، التحليل السردية.

A Study and Analysis of Cosmic and Mythological Symbols in the Story "The Fourth Potato Emperor" by Mohammad Mahdi Mohammadi

* Email address: a.abood@uos.edu.iq

Asst. Professor Dr. Ali Mohaisen Abood^{1*}

¹University of Sumer, University Chancellor's Office, Thi Qar, Iraq

Abstract:

The Iranians are among the ancient nations that have preserved their connection with their cultural history, maintaining intellectual and ideological ties with their significant indicators for ancestors. Myth and mythology are considered understanding the cultures and modes of thinking of various peoples, playing a key role in reviving national and historical identity. Myths reflect the enduring history symbols and ancient events of every nation, conveyed through diverse narratives.

This study aims to extract and analyze cosmic and mythological symbols, focusing on key variables such as night, sun, fire, and future generations, within the framework of the story "The Fourth Potato Emperor" by Mohammad Mahdi Mohammadi. The research seeks to reveal how these active symbols are represented in the text under study within the narrative structure.

Keywords: mythology, cosmic symbols, Iranian literature, The Fourth Potato Emperor, Mohammad Mahdi Mohammadi, narrative analysis.

المقدمة:

اسطوره و نمادهاي كيهاني از عناصر اساسي هستند كه عمق فرهنگها و تاريخ ملتها را بيان ميكنند، چرا كه بيانگر اندیشهها و باورهايي اند كه هويت جوامع را در طول زمان شكل ميدهند. در ادبيات، اين نمادها نقش مهمي در ساختار روايي و غناي معنا دارند و به خواننده امكان درك ابعاد فرهنگي و فلسفي متن را ميدهند.

اين مطالعه به تحليل نمادهاي كيهاني و اسطورههاي در داستان «امپراتور چهارم سيبزميني» نوشته محمد مهدي محمدي ميپردازد و تمرکز آن بر عناصری مانند خورشید، شب، آتش است. هدف پژوهش، کشف معانی این نمادها و نقش آنها در تقویت پیامهای فرهنگی، اجتماعی و فلسفی متن و همچنین بررسی نحوه بهکارگیری آنها در ساختار روایی است که هويت ملی و تاريخي را بازتاب ميدهد.

از طريق اين تحقيق، قصد داريم به ابعاد عميقي كه نمادهاي اسطورههاي و كيهاني در متن دارند توجه كنيم و نقش آنها را در پيوند خواننده با ميراث فرهنگي و ارائه ديدگاهي چندلايه از زندگي و هستي برجسته سازيم.

بيان مساله -:

-اسطوره ي يعني چيست؟

-چگونه محمد مهدي محمدي از نمادهاي كيهاني و اسطورههاي در داستان خود استفاده کرده است؟

-داستان «امپراتور سيبزميني چهارم» چگونه نمادهاي كيهاني را در ساختار روايت به كار ميبرد؟

-دلالتهاي اسطورههاي و فلسفي مرتبط با اين نمادها در متن چيست؟

هدف پژوهش -

نگارنده در این مقاله تلاش می کند تحلیل بر استفاده از نمادهای کیهانی و اسطوره‌ای در داستان " امپراتور سیب زمینی چهارم ". هدف این پژوهش استخراج و تحلیل نمادهای کیهانی و اسطوره‌ای در داستان « امپراتور سیب زمینی چهارم » است. همچنین، بررسی دلالت‌های نمادین اصلی شامل شب، خورشید، آتش و در متن از دیگر اهداف این تحقیق می‌باشد.

اهمیت و ضروره مسئله -

اهمیت این پژوهش مطالعه نمادهای کیهانی و اسطوره‌ای در ادبیات، راهی برای درک عمق فرهنگی و هویت ملی است. این پژوهش پیوند بین میراث اسطوره‌ای و زمان معاصر را تقویت کرده و نشان می‌دهد چگونه این نمادها در ساخت معانی فلسفی و اجتماعی در متن نقش دارند. بنابراین، اهمیت تحقیق در برجسته کردن نقش نمادها در احیای میراث فرهنگی و تقویت ارتباط بین نسل‌ها نهفته است.

پیشینه تحقی

مطالعات متعددی به بررسی نمادهای کیهانی و اسطوره‌ای در ادبیات و به‌ویژه در آثار معاصر ایرانی پرداخته اند. این پژوهش‌ها نشان می‌دهند که نمادهایی مانند شب، خورشید و آتش نقش مهمی در بازتاب هویت فرهنگی و معانی فلسفی دارند. با این حال، تحقیق خاصی درباره تحلیل نمادهای کیهانی و اسطوره‌ای در داستان " امپراتور سیب‌زمینی چهارم " محمد مهدی محمدی انجام نشده است. بنابراین، این پژوهش در جهت پرکردن این خلأ و بررسی عمیق‌تر این نمادها ضروری است..

روش بحث

این پژوهش بر روش توصیفی-تحلیلی تکیه دارد، به‌طوری که ابتدا نمادهای کیهانی و اسطوره‌ای در داستان "امپراتور سیب‌زمینی چهارم" توصیف شده و سپس به‌طور دقیق تحلیل می‌شوند تا دلالت‌ها و نقش آن‌ها در ساختار روایی متن فهمیده شود.

خلاصه ی داستان

همه چیز با سوسکی مهاجم آغاز می شود که نیمه شب به اتاق خواب خانمی که در اداره ی باستان شناسی کارمند است ، حمله می کند وشوهرش را که قبلاً نیز دچار سته که ی قلبی شده بود از پای در می آورد لوپس ازمرگ شوهرش دچار افسردگی وکابوس می شود وبرای اینکه ار کابوس حیوانات کثیفی مثل سوسک وخرمگس رهایی یابد به سرومین دوران کودکی اش سفر می کند تا با دیدن جزیره ی سبز ، روحیه ای تازه پیدا کند ، ولی با کمال تعجب می بیند که آنجا به محل تخلیه ی زباله ی شهرداری تبدیل شده است . طی یک عمل تخیلی که او به آن اعتقاد شدید دارد ، خیار و گوجه فرنگی وبانجان در آشپز خانه اش بالو هم صحبت می شوند ولی چون زبان آن ها را نمی فهمد ، از جناب پروفوسور که در اداره شان کار می کرده ، کمک می گیرد ، لو در طی یک سفر فانتاستک به سرزمین موجودات آشپز خانه ای مثل خیار ، هویج ، گل کلم ، کدو تنبل ، کدو سفید و... بان آن ها را یاد گرفته واز جنایت بزرگی که در سرداب تاریخ مدفون شده بود ، پرده بر می دارد . او با خواندن لوح هایی که امپراتور هویج به او می

دهد، از شیوه‌ی فرمانروایی امپراتور سبب زمینی چهارم و پیروز شدن گروه کثیف داس مرگ که عبارت بودند از مثلث کثیفی از موش‌ها، خرماگس‌ها و سوسک‌ها خبر دار می‌شود گروه داس مرگ عقبیت پس از جنگ و گریز دفاع جانانه‌ی موجودات آشپزخانه‌ای، آن‌ها را از بین می‌برند و بر تمام جزیره سبز فرمانروایی کرده آنجا را تبدیل به محل تخیله‌ی زباله‌کنند.¹

1- اسطوره در لغت واصطلاح

1- در لغت:

واژه "اسطوره" در زبان فارسی یک وام‌واژه است که از زبان عربی و با وزن "أفْعوله" گرفته شده است. در زبان عربی، این واژه به معنای روایت یا حدیثی است که پایه و اساسی ندارد. اما خود این واژه عربی نیز از ریشه یونانی "Historia" به معنای تحقیق، استفسار، اطلاع، شرح و تاریخ گرفته شده است. این کلمه یونانی از دو بخش تشکیل شده است: بخش اول "Histor" به معنای داور، و بخش دوم "ia" که به معنای دیدن است و از مصدر یونانی "idein" مشتق شده است. در زبان فارسی، واژه‌هایی مانند "نوید" (به معنای بشارت) و همچنین "Vidyā" از این ریشه گرفته شده‌اند.²

همان‌گونه که نوشته‌اند، واژه‌ی "اسطوره" از ریشه‌ی "سَطْر" به معنای نوشتن گرفته شده است. در زبان عربی، "تسطیر" که از باب تفعیل است، از همین ریشه‌ی "سَطْر" مشتق شده و به معنای گردآوری افسانه‌ها و داستان‌ها به کار می‌رود. با این حال، بر اساس آنچه گفته شد، واژه‌ی "اسطوره" در اصل ریشه‌ی عربی ندارد و از زبان‌های دیگر، به‌ویژه یونانی، وارد زبان عربی و سپس فارسی شده است.³

می‌توان تصور کرد که اسطوره ریشه‌ای غیر از نوشتن دارد، زیرا افسانه‌ها از فرهنگ شفاهی سرچشمه می‌گیرند و سینه‌به‌سینه منتقل شده‌اند تا اینکه نویسندگان آن‌ها را مکتوب کردند. این واژه از "هیستوریا" (Historia) (یونانی و لاتین به معنای جستجوی راستی یا خبر گرفته شده و به واژه‌هایی مانند "ایستوار" (Histoire) (در فرانسه و "استوری") (Story) (در انگلیسی تبدیل شده است که به معنی تاریخ یا داستان است.⁴

از تعاریف فوق نباید پنداشت که اسطوره‌ها صرفاً دروغ و تخیل هستند. Myth. انگلیسی Mythos یونانی به معنی دهان و سخن گفتن مشتق شده از پیوند داشتن مفهوم اسطوره با سنت بیان شفاهی داستان نباید تعجب کرد زیرا در یونان باستان تا حدود سده 9 قبل از میلاد داستانها و اشعاری که گاه نه ادبیات به معنای اخص کلمه و روایتی برآمده از تخیل، بلکه روایت رویدادهای واقعی تاریخی بودند و اساساً از راه بازگویی شفاهی از نسل به نسل منتقل می‌شدند.⁵

2- اسطوره در اصطلاح:

ماهیت اسطوره: روایات اسطوره‌ای کوششی است برای توجیه و تفسیر رابطه انسان و جهان و نیز تفسیر پدیده‌های بزرگ طبیعت چون رعد و برق و باد و... و رویدادهای بزرگ اجتماعی چون جنگ و برافتادن و برنشستن دودمانهای پادشاهی و... شناخت انسان باستان از جهان شناخت اسطوره‌ای است. اسطوره در واقع نسخه برداری

ناخود آگاهانه ورویاگونه انسان است از طبیعت و بی شک این چنین نسخه برداری و توجیهاتی، متأثر از شرایط مادی و اجتماعی زندگی انسان است.⁶

دوران اسطوره ای انسانها دوران کودکی آنهاست و فرار کردن از آن نه تنها درست نیست و راه به جایی ندارد بلکه از لطف و زیبایی زندگی کنونی نیز می‌کاهد. انسان نخستین که جهان را می‌شناخت، آن‌ها را می‌نامید آنچه را در پیرامون او بود، می‌دید و آنچه را درک می‌کرد نمی‌دید باهم پیوندی رمز آلود می‌داد و در قالب گفتارها و روایتها این پیوند را باز می‌یافت این گونه برخورد باگیتی و فراگیتی جهان بینی وی را تشکیل می‌داد و این زمان، زمان بینش اساطیری بود.⁷

اسطوره (میتولوژی) متضمن سرگذشتی قدسی و مینوی و راوی واقعه ای است که در زمان آغازین رخ داده است. به بیان دیگر اسطوره می‌گوید که در سایه اعمال برجسته موجودات مافوق طبیعی، واقعیتی چون کیهان، گیاهی خاص، کرداری پهلوانی، تمدنی جدید و... به وجود آمده است لذا همیشه در بردارنده روایت یک خلقت است. در بینش اساطیری، فوران و طغیان عنصر مینوی است که عالم را می‌سازد و بنیان می‌نهد و بر اثر مداخلات موجودات مافوق طبیعی است که همه کارها و فعالیتهای انسان معنی دار می‌شود.⁸

در اسطوره برخلاف علم هرگاه از علت و معلولی هم صحبت شود نه بر اساس منطق علت بلکه بر اساس تخیل و عاطفه است. در اسطوره فقط باید پذیرفت که این پدیده به وجود آمده، باید پذیرفت که این پدیده علت آن پدیده است و حال آنکه هیچ تجربه و منطق و قانونی این ارتباط را مدلل نمی‌سازد.⁹

در دایرة المعارفهای فارسی، اساطیر را داستانهای خرافی یا نیمه خرافی درباره قوای طبیعی خدایان و یا داستانهای پهلوانی افراد بشر که به صورت روایت به نسلهای متوالی رسیده یاد می‌کنند که با داستانهای جن و پری تفاوت دارد.

اسطوره را باید نگرشی دانست که بیان تفکر و اندیشه بشر را با تخیل درهم می‌آمیزد و به مرور زمان خود را بر زندگی بشر تحمیل می‌کند. در فرهنگهای لیتره و لاروس، اساطیر را میتولوژی Mythology و معنی آن را داستانها و اتفاقاتی که پایه و اساس تاریخی نداشته، افسانه‌هایی که از اتفاقات و حوادث واقعی سرچشمه گرفته و به منظور مذهبی جلوه دادن صورت ظاهر آن‌ها عوض می‌شود. افسانه خدایانی که مورد اعتقاد یک نژاد و ملت است و یا داستانهای که زاینده خیال می‌باشد یاد می‌کند.¹⁰

در این پژوهش، اسطوره به عنوان روایتی نمادین و کهن تعریف می‌شود که بازتاب‌دهنده نگرش انسان نخستین به جهان و هستی است و جنبه‌ای مقدس یا ماورایی دارد. پژوهشگر از این تعریف برای تحلیل نمادهای کیهانی در داستان بهره می‌برد، چرا که اسطوره‌ها ابزاری مؤثر برای درک لایه‌های فرهنگی و معنایی متن هستند.

کاربرد اسطوره

مهمترین کاربرد اسطوره کشف و آفتابی کردن سرمشقه‌های نمونه وار همه آیینها و فعالیتهای معنی دار آدمی از قبیل تغذیه و زناشویی و تربیت و هنر است. چون اسطوره اعمال یا شاهکارهای موجودات مافوق طبیعی را شرح می‌دهد سرمشق و الگوی همه کارها و فعالیتهای معنادار آدمی است.¹¹

فایده اسطوره را در این دانسته اند که مارا به زمان جوانی دنیا بازمی گرداند و زندگی مردم ابتدایی را به ما نشان می دهد.¹²

اسطوره در داستان های ایران

دیرینگی این اسطوره در تمدن بشری از یک سو و گستردگی جغرافیایی این آیین از شرق تا غرب، از سوی دیگر، از این اسطوره، کهن الگویی (Archetype) ساخته است که داستان ها و افسانه های زیادی را در میان ملل مختلف تحت تأثیر خود قرار داده است. در اساطیر بین النهرین، داستان (ایشتار (و تموز) Ishtar & Tammuz) داستانی است که از این پی رفته پیروی می کند. در اساطیر سومری، نمونه دیگر این داستان را در کهن ترین حماسه موجود جهان؛ یعنی گیلگمش می بینیم. این حماسه، حماسه ای بین النهرینی و اصالتاً سومری است.¹³

گرچه باید تجسم اصل تر الهه عشق و باروری را در سرزمین بین النهرین و بویژه در وجود (ایشتار (جستجو کرد، این نقش در اساطیر ایرانی در شخصیت اردویسور آناهیتا بخوبی نمایان است.¹⁴ که بزرگترین نمود حماسی آن در میان حماسه های ایران، در شاهنامه فردوسی قرار دارد. شاهنامه فردوسی با توجه به این که اثری متعلق به شرق نجد ایران است، به طور طبیعی متأثر از اساطیر هند و ایرانی بوده است و در عین حال در خویشکاری (Function) های روایی، شدیداً از آیین ها و اساطیر آسیای غربی تأثیر پذیرفته است؛ به طوری که گاه تأثیرپذیری خود را از آیین های هند و ایرانی تا حد ذکر اسامی خدایان این آیین (مثل مهر، ناهید، اهورامزدا و ...) تقلیل می دهد و به همین علت برخی معتقدند، سیطره فرهنگ آسیای غربی بر این اثر حماسی وضوحی کامل دارد.¹⁵

نمادهای کیهانی در ادبیات فارسی

"نماد" یا "سمبل"، مهم ترین اصطلاح در مکتب سمبولیسم است؛ "سمبولیسم را میتوان هنر بیان افکار و عواطف، نه از راه شرح مستقیم و نه به وسیله تشبیه آشکار آن افکار و عواطف به تصویرهای عینی و ملموس، بلکه از طریق اشاره به چگونگی آنها و استفاده از نمادهایی بیتوضیح برای ایجاد آن عواطف و افکار در ذهن خواننده دانست."¹⁶

"نماد کلمه، ترکیب یا عبارتی است که بر معنا و مفهومی غیر از آنچه در ظاهر به نظر می رسد، دلالت کند و به خاطر مفاهیم متعددی که در خود پنهان دارد، دستیابی به معنای دقیق آن ممکن نباشد."¹⁷

نمادهای کیهانی از مهم ترین ابزارهای بیانی در ادبیات به شمار می روند، چرا که نویسندگان از آنها برای تجسم مفاهیم هستی شناسی و انسانی استفاده می کنند که فراتر از زمان و مکان هستند. این نمادها شامل عناصری مانند شب، خورشید، آتش، آب و آسمان می باشند که اغلب با تجربه های اولیه انسان از طبیعت و جهان مرتبط اند.

از دیرباز، نمادهای کیهانی در ذهن انسان های ابتدایی جای داشته اند و این باورها در میان اقوام ایرانی نیز رواجی گسترده یافته اند.¹⁸

نماد کیهانی، تصویری نمادین و اسطوره ای از عالم هستی است که با مفاهیمی چون آفرینش، نظم جهان، پیوند زمین و آسمان، و جایگاه انسان در هستی در ارتباط است. این نمادها معمولاً در قالب عناصر طبیعت مانند

درخت کیهانی، خورشید، ماه، کوه، آب، و آتش ظاهر می‌شوند و مفاهیم متعالی و مقدسی چون تولد، مرگ، رستاخیز، جاودانگی، و نظم ازلی را بازنمایی می‌کنند.¹⁹

در متون ادبی، این نمادها تنها به معنای فیزیکی خود محدود نمی‌شوند، بلکه بار فلسفی، روان‌شناختی و معنوی نیز دارند؛ برای مثال، "شب" می‌تواند نماد ابهام، مرگ یا تأمل باشد، "خورشید" نماد زندگی، روشنایی و دانایی، و "آتش" نشانه تطهیر، رنج یا دگرگونی به‌کارگیری این نمادها به غنای معنایی متن کمک کرده و ابعادی چندلایه به آن می‌بخشد.

نمادهای کیهانی و اسطوره‌ای در داستان "امپراتور سیب زمینی چهارم"

تحلیل نمادها در داستان "امپراتور سیب‌زمینی چهارم"

داستان "امپراتور سیب‌زمینی چهارم" نوشته محمد مهدی محمدی، متنی سرشار از نمادهای کیهانی و اسطوره‌ای است؛ جایی که مفاهیمی چون شب، خورشید، آتش در ساختاری روایی و نمادین تجلی می‌یابند. هر یک از این نمادها صرفاً یک عنصر طبیعی نیست، بلکه حامل معناهای فرهنگی و فلسفی مرتبط با هویت، زمان و دگرگونی‌اند.

در این داستان، شب نمادی از ابهام و جست‌وجوی معناست، در حالی که خورشید نمایانگر روشنایی، کشف و معرفت است. آتش، نیرویی دوگانه است که هم‌زمان می‌سوزاند و تطهیر می‌کند، نیز نماد تداوم حافظه جمعی و تجدید حیات فرهنگی‌اند. این نمادپردازی‌ها رابطه انسان و جهان را از نو تعریف کرده و خواننده را به خوانشی چندلایه، میان واقعیت و اسطوره، دعوت می‌کند.

1- خورشید :

خورشید یکی از قدیمی‌ترین نمادهای کیهانی در تاریخ بشر است که نماد قدرت، زندگی و نور محسوب می‌شود. این نماد در بسیاری از فرهنگ‌ها با اسطوره‌هایی مرتبط است که رابطه انسان با طبیعت را نشان می‌دهد. در فرهنگ‌های مختلف، باور بر این است که خورشید باعث برکت و رونق می‌شود و این اسطوره‌ها همچنان بخش مهمی از میراث فرهنگی به شمار می‌روند.²⁰

خورشید "تجلی خدا، هستی ساکن در بیشتر سنت‌ها خورشید پدر و ماه مادر عالم هستند. نمادهای خورشید چرخ گردون، دیسک، دایره، نقطه مرکزی دایره²¹ مشعشع"

خورشید یکی از برجسته‌ترین اجرام آسمانی و از ارزشمندترین آن‌ها در ذهنیت بشر به شمار می‌رود؛ چراکه حضوری محوری در زندگی مادی و معنوی انسان دارد. طلوع و غروب مکرر آن در گذر زمان، عاملی انگیزشی برای تأمل و منبعی غنی برای برانگیختن احساسات و تجلیات فکری بوده است. از آنجا که خورشید گرما و روشنایی می‌افشاند، به‌صورت نمادین با مفهوم زندگی پیوند یافته و در میراث فرهنگی بشر، نمادی اصیل از نیروی کیهانی و انرژی حیات‌بخش تلقی شده است.²²

نماد خورشید در آثار "محمدی" جلوه‌های مختلفی از احساسات و اندیشه‌ها را منعکس می‌کند. خورشید در فرهنگ ایرانی جایگاه دیرینه و مقدسی دارد و نقش مهمی در باورهای دینی ایفا می‌کند. در "اوستا"، اهورامزدا به خورشید تشبیه شده و خورشید به عنوان واسطه‌ای میان انسان و خدا معرفی شده است. پس از ظهور زرتشتی‌گری، خورشید

به عنوان یکی از فرشتگان مهم شناخته شد و پرستش آن در میان اقوام آریایی و شرقی رواج یافت و حتی در دین رومی‌ها به عنوان یکی از خدایان اصلی پذیرفته شد.²³

در داستان مورد مطالعه، خورشید از طریق چندین نمونه تجلی یافته است، از جمله:

در متن زیر، نویسنده خورشید را به عنوان ایزدبزرگی که نماد پاکی، عدالت و زندگی است، نشان می‌دهد. دعایی که به سوی آن هدایت شده است، بیانگر این باور است که خورشید منبع نور روحانی و مادی است، دل‌ها را روشن می‌کند و عشق و روزی را فراهم می‌آورد. خورشید نمادی از حفاظت، درستکاری و گرما است که آن را به محور اصلی در ساخت معنای نمادین متن تبدیل می‌کند.

▪ "من امپراتور هویج اول از خورشیدان الهه بزرگ می‌خواهم که همه ما را راستگار گرداند و تا اجاق عشق و سفره‌ء خوراک به سلامت برساند"²⁴

نویسنده به این موضوع در متن دیگر اشاره می‌کند که خورشید در داستان "امپراتور چهارم سیبزمینی" نوشته مجد مهدی محدی، خورشید به عنوان نمادی محوری و مقدس، جایگاهی برجسته در نظام معنایی روایت دارد. موجودات آشپزخانه با ایمان به خورشید، آن را به مثابه نیروی اسطوره‌ای و فراتر از طبیعت بازمی‌شناسند؛ نیرویی که بازتاب‌دهنده مفاهیمی چون عدالت، نظم و حقیقت است. این بازنمایی، خورشید را از سطح یک عنصر طبیعی به مرتبه‌ای رمزی و کیهانی ارتقا می‌دهد و نشان می‌دهد که چگونه نویسنده توانسته است از طریق نمادپردازی، فضایی ساده و روزمره را به بستری برای بیان باورهای فرهنگی و مفاهیم فلسفی-اسطوره‌ای تبدیل کند.

▪ "موضوع اول ایمان موجودات آشپزخانه به خورشید است، یعنی می‌توان آنها را خورشید پرست نامید.²⁵"

نویسنده در متن خود با استفاده از واژه‌ی خورشید (شمس)، در این بخش، خورشید به عنوان الهه‌ای مقدس و نمادی از عدالت و نظم در دنیای داستان تصویر شده است. فراخواندن خورشید نشان‌دهنده جایگاه آن به عنوان نیروی روحانی است که روابط را تنظیم کرده و جامعه نمادین آشپزخانه را بر اساس ارزش‌های حق و عدالت سازماندهی می‌کند.

▪ "به نام خورشیدان الهه آشپزخانه و به نام امپراتور شلغم سی و چهارم، امپراتور دادگستر و عدالت پرور. من قاضی کرفس قاضی اعظم حکم می‌کنم که اتهام فلفلها که خیارها را موجوداتی شکمو خوانده اند به چند دلیل بی پایه است."²⁶

در يك نمونه دیگر نویسنده در متن به خورشید و نقش محوری آن در زندگی اشاره می‌کند، خورشید در متن به عنوان الهه‌ای بزرگ و منبع حیات و رشد معرفی شده است. از طریق آن، موجودات تغذیه شده و زندگی ادامه می‌یابد که نقش حیاتی خورشید را به عنوان نمادی از نور، محبت و رضایت لازم برای تداوم حیات در دنیای داستان نشان می‌دهد.

▪ "کرفس حکیم لطفاً بفرماید چرا خورشیدان الهه بزرگ موجودات آشپزخانه ای است؟

■ چون اگر لطف و محبت خورشیدان نباشد، موجودات آشپزخانه ای زمینی سبز نمی شوند از آفتاب جهان تاب خورشیدان است که ما رشد می کنیم. هرچه داریم از او ست و در این جهان که گذرگاهی به سوی اجاق عشق است باید رضایت او را فراهم کنیم.²⁷ "

نویسنده در متن زیر تجسمی از اسطوره خورشید را منعکس می‌کند، در این متن، نماد خورشید به عنوان "خورشیدن الهه آشپزخانه" به عنوان نمادی از قدرت، حفاظت و برکت در چارچوبی سمبولیک که سرشار از احساسات ملی و تقدیر است، معرفی شده است. خورشید در اینجا صرفاً منبع نور یا زندگی نیست، بلکه جایگاهی والا دارد که قهرمانان را گرمی می‌دارد و آن‌ها را به مقاومت و پیروزی تشویق می‌کند. اعطای «نشان درجه یک اجاق عشق» به نام خورشید، قدرت معنوی و نمادینی را که خورشید نمایندگی می‌کند، منعکس می‌کند و بعدی اسطوره‌ای و روایی به متن می‌بخشد که پیام مبارزه و پیروزی را تقویت می‌کند..

■ "به نام خورشیدن الهه آشپز خانه سریازان قهرمانان میهن درود بر شما. میهن سبز نام شما بر خود می‌بالد، خبر دلاوریها یتان در سراسر کشور پیچیده و دل همه ما را شاد کرده است. نام شما تا جاودان در جهان ثبت است. من به نام خورشیدان و به نام امپراتور سیب زمینی چهارم شما را به نشان درجه یک اجاق عشق مفتخر می‌کنم. باشد که پس از پایان جنگ و آزاد شدن از جنگ دشمن این نشانها را سینه شما بنشانم."²⁸

2- آتش:

در متون ادبی، آتش غالباً به عنوان نمادی اسطوره‌ای با معنای دوگانه ظاهر می‌شود: از یک سو نماد تحول و تطهیر است و از سوی دیگر نماد خطر و ویرانی. در ادبیات، آتش پیوندی میان قلمرو مادی و معنوی ایجاد می‌کند و میان مرگ و تولد دوباره در نوسان است. در برخی روایت‌ها، آتش لحظه‌ای از حقیقت یا روشن‌شدگی را نمایان می‌سازد یا به عنوان ابزاری برای مجازات ستمگران و پاک‌سازی جهان از فساد عمل می‌کند.

در این زمینه، آتش به عنوان نمادی پویا مطرح می‌شود که بازتاب‌دهنده‌ی تحولات درونی یا دگرگونی‌های اجتماعی است؛ چنان‌که در روایت‌هایی از ترس، جنگ یا مقاومت دیده می‌شود. از این رو، می‌توان از این نماد برای تحلیل متونی بهره گرفت که به دنبال کشف ساختارهای خشونت یا جستجوی رستگاری هستند.²⁹

نویسنده در متن زیر بین کلمه (آتش) نمادی از تحول و تخریب تاریخی است که وقوع آتش‌سوزی بزرگی حدود دوهزار و ششصد سال پیش را نشان می‌دهد؛ رویدادی مهم که تأثیری عمیق بر حافظه جمعی جزیره و ساکنان آن داشته است. آتش نه تنها یک عنصر مادی بلکه دلالتی اسطوره‌ای از فروپاشی و بازسازی دارد که چرخه زندگی، مرگ و تجدید را در بستر روایی و فرهنگی منعکس می‌کند. این استفاده نمادین از آتش، اهمیت آن را به عنوان عامل تغییر اساسی در تاریخ داستان و جزئی کلیدی برای فهم هویت تاریخی و فرهنگی متن برجسته می‌سازد.

■ "دلایل و اسناد زیادی نشان می‌دهد که در جزیره، دو هزار و ششصد سال پیش آتش سوزی بزرگ رخ داد"³⁰

3- شب

شب در متن نمادی اسطوره‌ای از تجلی روحانی و آزمون درونی است. این مرحله‌ای از تاریکی است که پیش‌درآمد نور بوده و بیانگر حالت انزوا و ترس است که زمینه‌ساز تحول و رشد معنوی می‌باشد. از این رو، شب تنها نبودن نور نیست، بلکه فضایی نمادین برای سفر روانی به سوی آگاهی و معرفت است.³¹

نویسنده در متن زیر نماد «شب» به‌عنوان نمادی از تاریکی، رمز و تهدید پنهان به کار رفته است. شروع اتفاقات در «نیمه‌شب» نشان‌دهنده حمله ناگهانی و خشونت‌آمیزی است که در زمان‌های مبهم و تاریک رخ می‌دهد و حس ترس و ناامنی را تقویت می‌کند. شب در اینجا لحظه‌ای گذرا است که حامل خطر و آشفتگی است و به ایجاد فضایی پرتنش و دراماتیک در روایت کمک می‌کند. این نماد بخشی از بُعد اسطوره‌ای متن است که نبرد بین نیروهای تاریکی و روشنائی را به تصویر می‌کشد.

■ "همه چیز با سوسکی مهاجم آغاز شد که نیمه شب به اتاق خواب شبیخون زد و شوهر عزیزم را از پای در آورد."³²

نویسنده در متن زیر تجربه‌ای عمیق، نماد «شب» بیانگر حالت عمیق ترس و اضطراب روانی است که پس از مرگ همسر تجربه می‌شود. شب تنها یک بازه زمانی نیست بلکه فضایی روانی است که درد و تنهایی را بازتاب می‌دهد. در این فضا، کابوس‌ها و ترس از حمله حشرات نمادی از تهدید و آشفتگی درونی هستند. بدین ترتیب، «شب» نمادی اسطوره‌ای از تاریکی روانی و نبرد انسان با نیروهای تاریکی و ترس محسوب می‌شود.

■ "بعد از مرگ شوهرم شب ورزم. در کابوس می‌گذشت. از تنهایی می‌ترسیدم. تمام شب در این کابوس به سر می‌بردم که سوسکها، موشها یا خرمگسها به حمله ور شوند."³³

نویسنده در متن زیر تقابلی نمادین بین نیروهای تاریکی (شب و نیروهای نور) صبح (را به نمایش می‌گذارد، نماد «شب» نمادی از لحظات خشونت، ترس و آشفتگی اجتماعی است. شب تنها یک بازه زمانی نیست بلکه صحنه‌ای برای رویدادهای تراژیک مانند ربودن و قتل طرفداران حکومت سابق توسط «جوخه‌های مرگ» است. استفاده از «شب» به عنوان زمینه این رخدادها، بعدی تاریک و اسطوره‌ای به متن می‌بخشد که نشان‌دهنده نبرد میان نیروهای ظلم و ترس است و نماد آشوب و بی‌عدالتی در جامعه می‌باشد. همچنین، «شب» به معنای ابهام و سرکوب در سایه‌هاست که اثر دراماتیک متن را تقویت می‌کند.

■ "جوخه‌های مرگ در تمام مدت شب طرفداران حکومت سابق و بزرگ مالکان را از خانه‌ها یشان ربودن و صبح زود در برابر چشمهای وحشتزده موجودات کثیف شقه کردند."³⁴

نتیجه‌گیری:

در این مطالعه، نمادهای کیهانی و اسطوره‌ای در داستان «امپراتور چهارم سیب‌زمینی» با تمرکز بر عناصر کلیدی همچون خورشید، شب، آتش تحلیل شد. یافته‌ها نشان داد که این نمادها علاوه بر ارزش روایی، حامل بارهای فرهنگی، فلسفی و اجتماعی عمیقی هستند که هویت ملی و روح داستان را تقویت می‌کنند.

خورشید نمادی از زندگی، عدالت و قدرت معنوی است که در متن جایگاه مرکزی دارد و به بازتاب ارزش‌های فرهنگی ایرانی می‌پردازد. نماد شب، جنبه‌های تاریک و مخوف زندگی را نمایان می‌کند و حس ترس و

نامنی را به تصویر می‌کشد. آتش نمادی دوگانه از تخریب و باززایی است که در بستر اسطوره‌ای به تحول و گذار اشاره دارد. همچنین، نمایانگر پیوند زمان و نگرانی از سرنوشت انسان‌ها است.

در مجموع، تحلیل این نمادها نشان می‌دهد که چگونه نویسنده با بهره‌گیری از میراث اسطوره‌ای و کیهانی، متنی پیچیده و چندلایه خلق کرده که هویت فرهنگی را زنده نگه می‌دارد و خواننده را به تفکر عمیق درباره زندگی، تاریخ و آینده دعوت می‌کند.

الهوامش:

- 11 - زقیه همتی؛ عبدالله ولی پور: "تحلیل شیوه‌های شخصیت‌پردازی در داستان امپراتور سیب زمینی چهارم"، کتاب ماه کودک و نوجوان خرداد - 1392 شماره 188، پایگاه‌های ما نور، ص 49. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage>
- 12 - نگاه کنید. سعید محمدی خیر آبادی: شناخت اسطوره و حماسه، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی بیرجند، سال دوم ص 106
- 3 - رجوع کنید. مهوش واحد دوست: رویکردهای علمی به اسطوره‌شناسی، انتشارات سروش، تهران، 1381، ص 22
- 4 - نگاه کنید. جلال الدین کزازی: رؤیا، حماسه اسطوره میر، نشر مرکز، چاپ پنجم، 1388، ص 2.
- 5 - نگاه کنید. حسین پایند: اسطوره‌شناسی و مطالعات فرهنگی، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، اسفند 1383، ص 72
- 6 - رجوع کنید. کریم سنگابی: اسطوره چیست، مجله ادبیات داستانی، شماره 37، تابستان - 1377 شماره 47، ص 24. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/315030/%D8%>
- 7 - نگاه کنید. مهوش واحد دوست: اسطوره‌های ایران باستان، باورهای کودکی‌ها و نمادهای دوران بلوغ ما از گذشته‌ها، مجله مطالعات ایرانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال دوم، شماره 3، بهار - 1382 صفحه - از 167 تا 186، ص 168. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/323064>
- 8 - رجوع کنید: حمیرا زمردی: نقد تطبیقی ادیان و اساطیر در شاهنامه فردوسی، خمه نظامی و منطق الطیر، انتشارات زوار، چاپ سوم، 1388، ص 11
- 9 - نگاه کنید. محمد رضا محمود زاده: افراسیاب در اسطوره و حماسه، محمد رضا محمود زاده، نشر کاروان، 1385، ص 15
- 10 - نگاه کنید. دکتر غلامرضا معصومی: مقدمه‌ای بر اساطیر و آیینهای باستانی جهان، دکتر غلامرضا معصومی، انتشارات سوره مهر، چاپ دوم، 1387، ص 12
- 11 - رجوع کنید. غلامرضا معصومی: مقدمه‌ای بر اساطیر و آیینهای باستانی جهان، ص 20
- 12 - نگاه کنید: حمیرا زمردی: نقد تطبیقی ادیان و اساطیر در شاهنامه فردوسی، ص 12
- 13 - سامونل هنری هوک: اساطیر خاور میانه، ترجمه علی اصغر بهرامی، انتشارات روشنگران، چاپ اول، تهران، 1369، ص 65
- 14 - زاله آموزگار: تاریخ اساطیر ایران، انتشارات سمت، چاپ نهم، تهران 1386، ص 23-24
- 15 - مهداد بهار: جستاری در فرهنگ ایران، انتشارات آگاه، چاپ چهارم، تهران 1385، ص 266-268
- 16 - فاطمه رضایی و مهین پناهی: "مهین پناهی نفس و نمادهای مرتبط با آن در شعر عطار نیشابوری"، مقاله 8، دوره 28، شماره 99، فروردین 1403، ص 232. https://journals.atu.ac.ir/article_14061.html
- 17 - میرصادقی، جمال و میرصادقی، میمنت. (1373). واژه‌نامه هنر شاعری. تهران: کتاب مهناز، ص 281
- 18 - افشین خانابازاده: "نمادهای کیهانی در ضرب المثل‌های تالشی منطقه عنبران"، پژوهشنامه بختیاری‌شناسی و اقوام ایرانی از استادان، دوره 3، شماره 1 - شماره پیاپی 5، بهار و تابستان 1403، صفحه (231 - 202)، ص 3
- ص 202. https://bsriit.sku.ac.ir/article_11797.html
- 19 - مهدی خادمی کولایی: "نمادپردازی نباتی از منظر نقد اسطوره‌ای در شعر فارسی" نشریه نقد اسطوره‌ای در ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور ساری، صفحه (248-226). 1387 ه.ش، ص 235، https://lcq.modares.ac.ir/article_fa.pdf-4564-29
- 20 - عماد عبدالقادر محمد سعید: "الصراع في فكر الديانة الزرادشتية"، مجلة جامعة زاخو، المجلد 4: B، العدد 1: 2016، ص 72
- 21 - معصومه صفائی نیا، زهراء صید مرادی: "مطالعه و بررسی نمادهای کیهانی در اسطوره" فصلنامه تخصصی مطالعات ایلام‌شناسی، سال هشتم، شماره بیست و نهم، زمستان 1402، ص 7. https://www.ilamstudy.ir/article_193784.html
- 22 - سعید زهروند و مرضیه مسعودی: "نشانه‌های کیهانی در شعر و نقاشی سهراب سپهری"، مجله جستارهای ادبی) وابسته به دانشگاه لرستان، شماره ششم، سال چهارم، 1391، صفحه 126-142، ص 128
- <https://ensani.ir/file/download/article/20140125102817.pdf>
- 23 - عماد عبدالقادر محمد سعید: "الصراع في فكر الديانة الزرادشتية"، مجلة جامعة زاخو، المجلد 4: B، العدد 1: 2016، ص 79
- 24 - محمد هادی محمدی: اسطوره‌ی در داستان امپراتور سیب زمینی چهارم، چاپ اول، تهران 1370، ه.ش، ص 36
- 25 - محمد هادی محمدی: اسطوره‌ی در داستان امپراتور سیب زمینی چهارم، ص 36
- 26 - محمد هادی محمدی: اسطوره‌ی در داستان امپراتور سیب زمینی چهارم، ص 38
- 27 - محمد هادی محمدی: اسطوره‌ی در داستان امپراتور سیب زمینی چهارم، ص 60
- 28 - محمد هادی محمدی: اسطوره‌ی در داستان امپراتور سیب زمینی چهارم، ص 173
- 29 - معصومه صفائی نیا، زهراء صید مرادی: "مطالعه و بررسی نمادهای کیهانی در اسطوره" ص 15
- 30 - محمد هادی محمدی: اسطوره‌ی در داستان امپراتور سیب زمینی چهارم، ص 37

- 31 - منوچهر اكبرى ، عليرضا حاجيان نژاد ، حكيمه قطبي نژاد "رويكرد عارفانه شب در شعر دفاع مقدّس"، مجله ادبيات پايدارى، دوره 12، شماره - 23 شماره پیاپی 23، اسفند 1399، ص 1، <https://doi.org/10.22103/jrl.2021.2824>.
- 32 - محمد هادی محمدی :اسطوره ی در داستان امپراتور سیب زمینی چهارم، ص 7.
- 33 - همان ، ص 17.
- 34 - همان ، ص 91.

منابع

- سعید محمدی خیر آبادی :شناخت اسطوره و حماسه ، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی بیرجند ، سال دوم .
- جلال الدین کزازی :رؤیا ، حماسه اسطوره میر ، نشر مرکز ، چاپ پنجم ، 1382.
- حسین پایند:اسطوره شناسی و مطالعات فرهنگی ، کتاب ماه ادبیات و فلسفه ، اسفند 1383.
- حمیرا زمردی :نقد تطبیقی ادیان و اساطیر در شاهنامه فردوسی ، خمسه نظامی و منطق الطیر ، انتشارات زوار ، چاپ سوم ، 1388.
- رقیه همتی ؛ عبدالله ولی پور " :تحلیل شیوه های شخصیت پردازی در داستان امپراتور سیب زمینی چهارم ، "کتاب ماه کودک و نوجوان خرداد - 1392 شماره ، 188 پایگاه های ما نور ، <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage> .
- ژاله آموزگار :تاریخ اساطیر ایران ، انتشارات سمت ، چاپ نهم ، تهران 1386 ،
- سامونل هنری هوک :اساطیر خاور میانه ، ترجمه علی اصغر بهرامی ، انتشارات روشنگران ، چاپ اول ، تهران . 1369 ،
-
- غلامرضا معصومی :مقدمه ای بر اساطیر و آیینهای باستانی جهان ، انتشارات سوره مهر ، چاپ دوم ، 1387.
- محمد هادی محمدی :اسطوره ی در داستان امپراتور سیب زمینی چهارم ، چاپ پرچم ، چاپ اول ، تهران 1370 ، ه.ش.
- محمد رضا محمود زاده :افراسیاب در اسطوره و حماسه ، محمد رضا محمود زاده ، نشر کاروان ، 1385.
- مهداد بهار :جستاری در فرهنگ ایران ، انتشارات آگاه ، چاپ چهارم ، تهران 1385 ،
- مهوش واحد دوست :رویکردهای علمی به اسطوره شناسی ، انتشارات سروش ، تهران ، 1381.
- میرصادقی ، واژه نامه هنر شاعری :کتاب مهناز ، تهران ، میمنت.(1373) .
- مقاله ها :**
- افشین خاناباززاده :نمادهای کیهانی در ضرب المثل های تالشی منطقه عنبران، پژوهشنامه بختیاری شناسی و اقوام ایرانی از استادان، دوره 3، شماره - 1 شماره پیاپی 5، بهار و تابستان 1403، صفحه (202- 231)، ص 202، https://bsrii.sku.ac.ir/article_11797.html.
- سعید زهرهوند و مرضیه مسعودی "نشانهای کیهانی در شعر و نقاشی سهراب سپهری"، مجله جستارهای ادبی (وابسته به دانشگاه لرستان)، شماره ششم، سال چهارم، 1391، صفحه 126-142. <https://ensani.ir/file/download/article.pdf>.
- عماد عبدالقادر محمد سعید" :الصراع في فكر الديانة الزرادشتية"، مجلة جامعة زاخو، المجلد 4، العدد 1، 2016.
- فاطمه رضایی ومهین پناهی " : 2مهین پناه نفس و نمادهای مرتبط با آن در شعر عطار نیشابوری" ، مقاله 8، دوره 28، شماره 99، فروردین 1403، صفحه 223-256. https://journals.atu.ac.ir/article_14061.html
- کریم سنگابی :اسطوره چیست ،مجله ادبیات داستانی ، شماره 37، تابستان - 1377 شماره) 47صفحه -از 24 تا (28)، <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/315030/%D8%28>.

- معصومه صفائی نیا، زهراء صید مرادی: "مطالعه وبررسی نمادهای کیهانی در اسطوره" فصلنامه تخصصی مطالعات ایلام شناسی، سال هشتم، شماره بیست ونهم، زمستان 1402، ص 1-18، https://www.ilamstudy.ir/article_193784.html.
- منوچهر اکبری، علیرضا حاجیان نژاد، حکیمه قطبی نژاد: "رویکرد عارفانه شب در شعر دفاع مقدس"، مجله ادبیات پایداری، دوره 12، شماره 23- شماره پیاپی 23، اسفند 1399، صفحه 1-28. <https://doi.org/10.22103/jrl.2021.2824>.
- مهدی خادمی کولایی "نمادپردازی نباتی از منظر نقد اسطوره‌ای در شعر فارسی"، نشریه نقد اسطوره‌ای در ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور ساری، صفحه (226-248). 1387 هـ ش، https://lcq.modares.ac.ir/article_fa.pdf-4564-29.
- مهوش واحد دوست: اسطوره های ایران باستان، باورهای کودکی ها و نمادهای دوران بلوغ ما از گذشته ها، مجله مطالعات ایرانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال دوم، شماره 3، بهار 1382 صفحه-از 167 تا 186، <https://www.noormags.ir/viewg>